

**Design and Validation of a Curriculum Model for Humor-Integrated Art in Elementary Education**Amin Sheikhanlouy Milan¹, Shahram Ranjdoust², Behbood Yariqeli³¹ Phd student of Curriculum Planning Department, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran² Associate Professor of Curriculum Planning Department, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran³ Associated professor Department, of educational sciences Faculty of education and psychology, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran**Abstract**

The present study was conducted with the aim of designing and validating the curriculum model of art mixed with humor in Iran's public education system using the data theory strategy of Strauss and Corbin (1990). The field of research included the professors and elites of Tabriz and Tehran universities, who were selected by purposeful sampling method and based on the principle of theoretical saturation, 11 people were selected from among the top experts with experience in the field of research. The research tool is a semi-structured interview, and the 4 criteria of Lincoln and Guba were used for the reliability of the data. The findings of the research in the form of the dimensions of the foundation's systematic design model, including causal conditions (2 main categories and 7 subcategories); Core category (1 main category and 5 subcategories); contextual factors (2 main categories and 4 subcategories); Intervening conditions (2 main categories and 7 subcategories); Strategies (3 main categories and 10 sub-categories) and consequences (2 main categories and 4 sub-categories) were categorized. Structural equation modeling and importance-performance matrix analysis were used to validate the desired model. In the importance-performance matrix, it was observed that the strategies are more important than the consequences of the art education model mixed with humor. Considering the results of the present research, it is recommended to formulate and approve a strategic plan regarding the teaching of art mixed with humor in the formal education system at the school level, as well as the holding of in-service training courses in the field of teaching art mixed with humor.

Keyword: model, curriculum, art, humor, elementary school

طراحی و اعتباربخشی الگوی برنامه درسی هنر آمیخته به طنز در دوره ابتدایی

امین شیخکانلوی میلان¹، شهرام رنج‌دوست²، بهبود یاریقلی³
¹ دانشجوی دکتری گروه برنامه‌ریزی درسی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران

² دانشیار گروه برنامه‌ریزی درسی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران

³ دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهیدمدنی آذربایجان، تبریز، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی هنر آمیخته به طنز در نظام آموزش عمومی ایران با استفاده از راهبرد نظریه داده بنیاد نسخه اشتراوس و کوربین (1990) صورت پذیرفت. میدان پژوهش شامل اساتید و نخبگان دانشگاه‌های تبریز و تهران بوده، که با روش نمونه‌گیری هدفمند و به استناد اصل اشباع نظری، تعداد 11 نفر از بین صاحب نظران برتر و با سابقه در زمینه پژوهش انتخاب گردیدند. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته می‌باشد و برای اعتبارپذیری داده‌ها از معیارهای 4 گانه لینکلن و گوبا بهره گرفته شد. یافته‌های پژوهش در قالب ابعاد الگوی طرح نظام مند داده بنیاد شامل شرایط علی؛ مقوله محوری؛ عوامل زمینه‌ای؛ شرایط مداخله‌گر؛ راهبردها و پیامدها، دسته‌بندی شد. برای اعتباریابی الگوی مطلوب از مدل‌سازی معادلات ساختاری و تحلیل ماتریس اهمیت - عملکرد استفاده شد. در ماتریس اهمیت - عملکرد مشاهده شد که راهبردها نسبت به پیامدهای الگوی آموزش هنر آمیخته به طنز دارای اهمیت بالاتری هستند. با عنایت به نتایج پژوهش حاضر تدوین و تصویب برنامه راهبردی در خصوص آموزش هنر آمیخته به طنز در نظام آموزش رسمی در سطح مدارس و همچنین برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت پیشنهاد می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: الگو، برنامه درسی، هنر، طنز، دوره ابتدایی

مقدمه

برنامه درسی به عنوان یکی از مهمترین عواملی که بر آموزش و پرورش تأثیر می‌گذارد، اهمیت بسیاری دارد. کیفیت برنامه درسی و محتوای آن می‌تواند تأثیر بسیاری بر پیشرفت کشورها در عصر حاضر داشته باشد (Haydon et al, 2023). این برنامه باید با توجه به نیازهای جامعه و بازار کار، محتوای مناسب و کاربردی داشته باشد. آموزش مبتنی بر اصول علمی و رویکردهای جدید آموزشی، می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا به دانش و مهارت‌های مورد نیاز جامعه دست یابند و باعث پیشرفت و توسعه کشور شوند. به علاوه، برنامه درسی باید به گونه‌ای باشد که بتواند به ارتقای سطح فرهنگی و اجتماعی جامعه کمک کند و به نحوی برای دانش‌آموزان با ارزش‌های مثبتی همچون اخلاق، انضباط، احترام و همدلی آشنا کند. در کل، برنامه درسی باعث پیشرفت کشورها در عصر حاضر و آینده خواهد شد و باید با دقت و شفافیت طراحی و پیاده‌سازی شود (Leat & Whelan, 2023).

زیبایی‌شناسی و هنر حوزه‌ای است که بهره‌گیری از قابلیت آن برای تعلیم و تربیت برنامه درسی مستلزم توجه و لحاظ نمودن آن‌ها از سوی برنامه‌ریزان درسی است و اگر از صحنه عمل برنامه‌ریزان درسی حذفیات موجبات پرورش جنبه زیبایی‌شناسی فرد و همچنین تأثیر آن در پرورش زمینه‌های فراهم نخواهد شد. از این رو دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت در طول تاریخ آموزش و پرورش یا در کشورهای مختلف سعی کردند از این حوزه هنر و زیبایی‌شناسی برای تربیت انسان بهره گیرند که عمدتاً ۲ رویکرد را می‌توان در عملکرد آن‌ها متصور شد: 1- تربیت هنری 2- تربیت از منظر هنر (Song, 2023). رویکرد تربیت هنری همان آموزش هنر است که در نظام‌های آموزشی همانند آموزش سایر حوزه‌های محتوایی از قبیل ریاضی زبان آموزی و غیره از طریق برنامه درسی هنر ارائه و اجرا می‌گردد (Leat & Whelan, 2023). رویکرد تربیت از منظر هنر رویکردی است که در آن تربیت از طریق هنر صورت می‌گیرد

همان‌طور که Tong & Tsung (2020) مطرح می‌کنند اساس تربیت محسوس محسوب می‌شود به طوری که تربیت می‌تواند از هنر درباره‌ی عمل تربیتی چیزهای زیادی یاد بگیرد و هنر و هنرمندی به‌عنوان منابع بهبود عمل تربیتی مطرح می‌شوند.

رویکرد تربیت از منظر هنر، رویکردی است که در آن تربیت از طریق هنر صورت می‌گیرد و اساس تربیت محسوب می‌شود. طوری که تربیت می‌تواند از حوزه هنری درباره عمل تربیتی چیزهای زیادی یاد بگیرد و هنر و هنرمندی به‌عنوان منابع بهبود عمل تربیتی مطرح می‌شود (Grunberg Baisley & , 2019). کشورهای دنیا پرورش قوه خلاقیت شاگردان را ارزشمندترین هدف تربیتی به شمار می‌آورند؛ زیرا پرورش خلاقیت ارتباط تنگاتنگی با پیشرفت‌های اقتصادی و تمدن و ترقی هر کشور دارد (Ho Kim & , 2018). تعلیم و تربیت باید یادگیرندگان را در مسیر استفاده از تفکر خلاق در حل مسئله خود آماده کند؛ زیرا دنیای آینده احتیاج به انسانهای خلاق دارد. شرایط متغیر زندگی، هر لحظه فرد را در برابر مسئله قرار می‌دهد. یادگیرندگان خلاق با استفاده از معلومات موجود در حافظه به آرایش مفاهیم و اصول علمی پرداخته، به اصول و مفاهیم جدید دست می‌یابند (Van Praag و همکاران، 2017). تربیت هنری در برنامه‌های درسی با هدف ایجاد ارتباط نزدیک‌تر بین دانش‌آموزان و هنر، از مفاهیم زیبایی‌شناختی بهره می‌برد. از این طریق، دانش‌آموزان با شناخت عمیق‌تری از مفاهیم هنری همچون هماهنگی اجزاء، توازن، ریتم و تناسب، بیانگری و عمق هنری آشنا می‌شوند. تربیت هنری اهمیت بسزایی در تقویت خلاقیت، تجربه‌ی زیبایی و توانایی‌های هنری دانش‌آموزان دارد. با استفاده از مفاهیم زیبایی‌شناختی، این تربیت هنری می‌تواند به گسترش دیدگاه‌های هنری دانش‌آموزان و تقویت ارتباط آن‌ها کمک کند (Song, 2021).

به باور صاحب نظران از طنز در برنامه‌های درسی به عنوان یک بخش مهم تربیت هنری استفاده

مسئولیت خطیر را به عهده دارند که محیط تربیتی و آموزشی مدرسه و به ویژه کلاس درس را آمیخته به طنز کنند. زیرا تقویت نشاط در وجود دانش‌آموزان سبب رشد و شکوفایی دانش‌آموزان در همه ابعاد جسمانی، اخلاقی و معنوی می‌شود (Larkiam et al, 2011).

با توجه به این که در دنیای امروز، تغییر و تحول از اصول اساسی و مهم کشورهای پیشرفته و توسعه یافته است و از آن جا که در حوزه‌های مختلف فرهنگی، علمی، اجتماعی و غیره جامعه مدام در حال تغییر است، نیازهای دانش‌آموزان نیز به صورت مداوم در حال تغییرات بنیادین می‌باشند. براین اساس تدوین کتب درسی و تغییر و تحول محتوای آن‌ها و نحوه ارائه آن به دانش‌آموزان، باید متناسب با نیازهای روز جامعه‌ی دانش‌آموزی باشد و کتب جدید التالیف نیز باید براساس همین نیازها تغییر یابند و به صورت مداوم به روزرسانی شوند. از آنجاکه برنامه‌های درسی، میدان عملیاتی شدن ایده‌ها در محیط‌های آموزشی هستند، مؤلفه‌های برنامه‌های درسی می‌توانند به عنوان بستر مناسبی برای بررسی‌اندیشه ورود طنز برای توسعه خلاقیت مورد توجه قرار گیرند. همچنین بر اساس تحقیقات صورت گرفته تاکنون تحقیقی به طراحی برنامه درسی هنر آمیخته به طنز نپرداخته است. لذا پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است که الگوی مطلوب برنامه درسی هنر آمیخته به طنز چه مختصاتی دارد و ویژگی‌ها و رویکرد مناسب برای الگوی مطلوب چیست؟

مبانی نظری

هنر، از الفاظی است که در طول زمان با معانی گوناگونی همراه بوده است. در لغت نامه‌ی دهخدا به معنای علم، معرفت، دانش، فضل و فضیلت، فرزاندگی و بالاخره به معنای فراست و زیرکی آمده است. بدیهی است با استناد به معانی گسترده و متفاوت این مفهوم، هنرمندان نقش‌های گوناگونی را ایفا نموده‌اند که هر یک مکتبی را بنیان نهاده و یا از مکتبی الهام گرفته و اثری را به جلوه‌گری واداشته‌اند. هنر، در بینش دینی ما از یک

می‌شود (Grunberg Baisley & , 2019). طنز، به عنوان یک ابزار هنری، قادر است مفاهیم هنری را با جذابیت بیشتری به دانش‌آموزان ارائه دهد. این ابزار می‌تواند محیطی خلاقانه‌تر را برای آموزش هنر فراهم آورده و مسیری جذاب‌تر برای فراگیری هنر ایجاد کند. با استفاده از طنز در برنامه‌های تربیت هنری، دانش‌آموزان قادر هستند به طور مستقیم با مفاهیم هنری در ارتباط بوده و از طریق شوخ‌طبعی و کمیک‌ها، علاوه بر یادگیری، از لحاظ روحی نیز سرگرم‌کننده باشند (rezaee, 2018). با توجه به آثار و نتایج مترتب بر طنز در تحقیقات مختلف شاید بتوان از آن به عنوان یکی از راه‌های پرورش خلاقیت، یاد کرد. طنز پدیده‌ای میان رشته‌ای و پیچیده است که در تمامی فرهنگها و زبانها مورد استفاده قرار می‌گیرد و محققان از زوایای گوناگون به آن پرداخته‌اند. به طور کلی در ادبیات مربوط به طنز، توافق نظری کاملی در مورد مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن وجود ندارد و مواردی چون وجود بیش از 100 نوع نظریه طنز دلیلی بر این ادعاست (Van Praag et al, 2017). طنز می‌تواند به عنوان یک ابزار مفید در برنامه درسی باشد زیرا می‌تواند انگیزش، مشارکت و نگهداری اطلاعات را افزایش دهد. استفاده از طنز در دروس می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا مطالب را بهتر یاد بگیرند و درک کنند. همچنین، می‌تواند به ایجاد یک محیط یادگیری مثبت، کاهش استرس و اضطراب و ترویج خلاقیت و تفکر انتقادی کمک کند (Van Praag et al, 2017 و Schmidt & William, 2011).

کودکان ایرانی از هفت سالگی وارد مدرسه می‌شوند و بیشتر آن‌ها زمانی از فضای مدرسه خارج می‌شوند که به سن بزرگسالی رسیده‌اند و همین طور با بالا رفتن مقطع تحصیلی ساعات حضور آن‌ها در مدرسه بیشتر می‌شود. این کودکان سرمایه‌های اصلی این جامعه و آینده‌سازان این مرز و بوم هستند و بی‌شک دانش‌آموزان احتیاج به یک فضای شاد در مدرسه و کلاس درس دارند و کارکنان آموزش و پرورش، به ویژه معلمان این

توانایی‌های تفکری و خلاقانه فراگیران کمک کند. از دیدگاه این‌اندیشمندان، طنز به عنوان یک ابزار افزایش انگیزش نیز شناخته می‌شود. باعث فعال‌سازی و پرورش حس اشتیاق و میل به یادگیری می‌گردد (Leat & Whelan, 2023, Baisley & Grunberg, 2019). این احساس انگیزشی، افزاز و نزولات را در فرآیند یادگیری ملایم‌تر و مؤثرتر کرده و فراگیران را ترغیب به پیگیری اهداف تعیین شده می‌نماید (Tong & Tsung, 2020, Baisley & Grunberg, 2019). با این حال، برخی صاحب‌نظران هشدار می‌دهند که استفاده نادرست از طنز می‌تواند باعث ایجاد توهین و ناراحتی برای برخی دانش‌آموزان شود، بنابراین استفاده از طنز باید با مراعات احترام به همه دانش‌آموزان انجام شود. علاوه بر این، استفاده از طنز باید با توجه به نوع درس و دانش‌آموزان صورت گیرد و نباید تأثیر منفی بر تجربه یادگیری دانش‌آموزان داشته باشد. در کل، استفاده مناسب از طنز در آموزش می‌تواند به بهبود فرایند یادگیری کمک کند (kiomarsi, 2018). ضیایی مهر (2014) در پژوهش خویش به نقل از محققان برجسته علوم ارتباطات (عربزاده و همکاران، ۲۰۱۱) در تعریف خود از طنز آورده است که طنز حاصل رفتارهای کلامی و غیر کلامی آگاهانه است که سبب بروز پاسخ‌های مثبت مانند شادی و خنده در دریافت‌کننده آن می‌شود. تحقیقات چندی نیز به اثربخشی طنز بر خلاقیت پرداخته‌اند. پژوهشگران در نتیجه تحقیقات خویش، بر ایجاد فعالیت شبکه‌ای مغز در هنگام رویارویی با طنز تأکید ورزیده‌اند (Tong & Tsung, 2020, Baisley & Grunberg, 2019). نظریه کسلر (1994) بر آفرینندگی از طریق قرارگرفتن در معرض طنز استوار است. کسلر بر این باور است که طنز از معمول‌گریزان است و همین رویکرد غیرمعمول موجب پرورش ایده‌های خلاق است (Afshar kohan, Van et al, 2015). نتایج تحقیقات دیگری مانند (Van et al, 2015) Dooren, (2019) Beers Fägersten, (2017) Kim, (2018) & Ho north et al, (2015) نشان داده است

زمینه‌ی فطری برخاسته است که تربیت انسانی فرزانه و فرهیخته را نوید می‌دهد انسانی که به عواطف، احساسات و تخیلات واندیشه‌ی خود جهت الهی داده و پیام خویش را در قالب یک رشته هنری به جامعه‌ی اسلامی هدیه می‌دهد (razavizade, 2018). طنز، هنری است که عدم تناسب در عرصه‌های مختلف اجتماعی را که در ظاهر متناسب به نظر می‌رسند، نشان می‌دهد و این خود مایه خنده می‌شود. هنر طنزپردازی، کشف و بیان هنرمندانه و زیبایی‌شناختی عدم تناسب در این «متناسبات» است. طنز هنری مکتوب است و اجرای آن در دیگر گونه‌های نمایشی به‌طور نمونه تئاتر، سینما یا تلویزیون، کمدی نامیده می‌شود (ارجمندی، ۱۳۹۷). طنز واژه‌ای عربی است. معادل انگلیسی طنز **satire** است که از **satira** در لاتین گرفته شده که از ریشه **satyros** یونانی است. **satira** نام ظرفی پر از میوه‌های متنوع بود که به یکی از خدایان کشاورزی هدیه داده شده بود و به معنای واژگانی «غذای کامل» یا «آمیخته‌ای از هرچیز» بود (Tong & Tsung, 2020).

در آرای صاحب‌نظران، استفاده از طنز در سیاق آموزش به عنوان یک ابزار مؤثر تلقی می‌شود که می‌تواند تأثیرات چندگانه‌ای در بهبود فرآیندهای آموزشی داشته باشد. این ابزار، باعث افزایش میزان مشارکت فراگیران در فرایند یادگیری می‌گردد. از طریق ایجاد یک ارتباط غیررسمی و دوستانه با مطالب آموزشی، این شیوه می‌تواند فرآیند یادگیری را جذاب‌تر و دلچسب‌تر سازد. علاوه بر این، طنز به عنوان یک ابزار کاهنده استرس و اضطراب در محیط آموزشی عمل می‌نماید (kim & hoo, 2018). از طریق فراهم آوردن فضای سبک و شاداب، این رویکرد می‌تولند روحیه مثبت فراگیران را افزایش بخشد و مانع از احساس فشار و فراهم آمدن یک ارتباط مثبت با فرآیند یادگیری گردد. همچنین، طنز به عنوان یک ابزار ترویج خلاقیت و تفکر انتقادی مطرح است. با فراهم کردن فرصت‌هایی برای تجربه انواع نگرش‌ها و دیدگاه‌ها، این شیوه می‌تواند به ارتقاء

کودکان موثر باشد (Modir Roustabergen & Modir Roustabergen, 2019). به عبارت دیگر، تربیت هنری به عنوان یک حوزه گسترده و پویا در شکل‌گیری فعالیتهای آموزشی در یک نظام مدرسه ای می‌تواند، آثار و نتایجی را خلق کند که شاید در کمتر حوزه ای از برنامه‌های درسی بتوان آنها را جستجو کرد (Chauvet & Hofmeyer, 2017). تحقیقات زیادی ثبت کرده اند که طنز دارای فواید روانی فیزیولوژی بسیاری است که بر تقویت حافظه و درک مطلب تأثیر می‌گذارد و اینکه طنز به عنوان یک کیفیت منسوب به تمام زبانها و فرهنگها، در یک بازبینی جدی، می‌تواند یکی از ابزارهای مؤثر ارتباطی برای دانش‌های زبانی و فرهنگی تلقی شود. سیلوستر معتقد است هر کس تاکنون در مدرسه به عنوان یک دانش آموز یا معلم حضور داشته، این موضوع را تجربه کرده است که چطور استفاده مؤثر از طنز می‌تواند فضای کلاس درس را لذتبخش و منجر به جلب توجه دانش آموز و مشارکت وی در مباحث کلاسی شود (Bognar & Ibraković, 2009). Sabnis (2023) عنوان کرده اند که جای تعجب نیست که یک اجماع در میان دانش آموزان درباره محبوبیت بیشتر مدرسانی که از طنز در آموزش استفاده می‌کنند، وجود داشته باشد. توافق اجتماعی بر آن است که یک شخصیت با حس شوخ طبعی، خوش مشربتر است و انجام یک کار توأم با طنز، خلاقانه تر و برای غلبه بر سختیها، مفیدتر است. تحقیقات (Ho Kim & Ho Kim, 2018) نشان داده است استفاده مناسب از طنز، موجب افزایش همبستگی معلم و دانش آموزان می‌شود و نیز طنز یکی از ترجیحات بسیار مهم کودکان است. هنگامی که قرار است کودکان از میان مواد طنزآمیز و فاقد طنز یکی را انتخاب کنند، مشاهده شده که آنان بیشتر مواقع مطالب خنده دار را بر می‌گزینند (mehr Mohammadi, 2013, drikvand 2021). Eizner (2002) یکی از مهمترین گامها برای اصلاح واقعی نظامهای آموزشی را تدارک جایگاهی معقول برای هنر در برنامه درسی میداند. گویی که آموزش هنر باید

که طنز عامل مثبت تأثیرگذاری بر شکوفایی خلاقیت است.

اگر محیط مدرسه تشویق کننده خلاقیت باشد، نسل آینده انسان‌هایی خلاق خواهند بود، حتی ویژگی‌های معماری بنای مدرسه، در کنار دیگر ویژگی‌های مدیریتی، می‌تواند به ایجاد یک مدرسه تشویق کننده خلاقیت بینجامد (Mahdavi et al, 2013). خلاقیت، عاملی اساسی در پیشرفت و توسعه جوامع تلقی می‌شود و از آنجا که خلاقیت امری است آموختنی و قابل آموزش، پس می‌توان با ایجاد شرایط، تجهیزات و امکانات لازم به پرورش افراد خلاق پرداخت که از این حیث مدرسه به مثابه مکانی مناسب برای آموزش خلاقیت دانش آموزان به شمار می‌آید (Clark, 2019). خلاقیت مفهومی است که تعریف‌های آن در طول زمان تغییراتی کرده است و پژوهشگران مختلف تعاریف متعددی برای آن ارائه نموده اند که البته اشتراک معنایی زیادی دارند.

Torence (1973) خلاقیت عبارت است از حساسیت به مسایل، کمبودها، مشکلات و خطاهای موجود در دانش، حدس زدن، تشکیل فرضیه‌هایی درباره این کمبودها، ارزشیابی و آزمایش این حدس‌ها و فرضیه‌ها و احتمالاً اصلاح و آزمودن مجدد آنها و در نهایت نتیجه‌گیری (khakzad, 2015).

تورنس که تحت تأثیر چهارچوب نظری گیلفورد است خلاقیت را مرکب از چهارعامل اصلی می‌داند که عبارتند از:

- 1- سیالی: یعنی استعداد تولید ایده‌های فراوان
- 2- ابتکار: یعنی استعداد تولید ایده‌های بدیع، غیر عادی و تازه
- 3- انعطاف پذیری: یعنی استعداد تولید ایده‌های با ارزش و متنوع در قالب تصویر و ارائه راه‌حلهای نو
- 4- بسط: یعنی استعداد توجه به جزئیات (khakzad, 2015).

درک هنرها و به کارگیری صحیح شیوه‌های تربیت هنری می‌تواند در توسعه نظام مدرسه ای و رشد شایسته

دانش‌آموزان با انجام فعالیت‌های هنری، خود، جهان و خالق جهان را بهتر می‌شناسند. حس زیبایی‌شناسی خود را توسعه می‌دهند، حواس، تفکر، تخیل و هوش آن‌ها نیز تقویت شده، استعدادهای درونی و خلاقیت‌شان شکوفا می‌شود (راهنمای برنامه‌های درسی در دوره ابتدایی، ۱۳۹۶).

روش‌شناسی پژوهش

جهت دستیابی به توصیفی پر بار از نگرش و درک شرکت کنندگان نسبت به برنامه درسی هنر آمیخته به طنز از روش پژوهش کیفی و به طور خاص از راهبرد نظریه داده بنیاد نسخه Strauss & Corbin (1990) استفاده شد. نظریه داده بنیاد روشی است بر مبنای نظریه داده‌ها که به صورت منظم گردآوری و تحلیل شده اند و مقصود آن، ساختن و پرداختن نظریه ای است که در زمینه مورد مطالعه صادق و روشنگر باشد (Mohammadi, 2016). جامعه آماری این تحقیق کلیه اساتید و نخبگان دانشگاه های تبریز و تهران بود که بر اساس نمونه گیری هدفمند و گلوله برفی تلاش گردید افرادی انتخاب شوند که در زمینه مطالعات برنامه درسی متخصص بوده و در زمینه برنامه درسی هنر و طنز در فضای آموزشی فعالیت‌های علمی و پژوهشی انجام داده اند. با این شرایط بعد از شناسایی مشارکت کننده اول از وی خواسته شد دو نفر دیگر که در این زمینه واجد شرایط شرکت در پژوهش هستند معرفی نماید. بعد ارتباط گرفتن با آنان و توضیح هدف و شرایط شرکت در پژوهش نسبت به اخذ رضایت اقدام و برنامه ریزی برای زمان مصاحبه صورت گرفت. زمان هر مصاحبه 45 دقیقه بود که بر اساس سوالات نیمه ساختار یافته در خصوص الگوی پارادایمی برنامه درسی هنر آمیخته به طنز سوالات مطرح گردید. نمونه گیری تا اشباع نظری ادامه یافت و بعد از انجام 9 مصاحبه داده ها به اشباع رسید یعنی داده جدیدی در ارتباط با مقوله و الگوی مورد نظر پدید نیامد. برای اطمینان دو مصاحبه دیگر نیز انجام و به 11 مورد رسید.

به یک بخشی اساسی از برنامه درسی مدارس مبدل شود و هنر در کنار مهارت‌های اساسی سه گانه (خواندن، نوشتن، حساب کردن) که به رسمیت شناخته شده اند، به عنوان چهارمین مهارت اساسی و پایه برنامه درسی بر آن تأکید شود و بی مهری و انزوای تاریخی و سنتی از آن رخت بر بندد (Leat & Whelan, 2002, Eisner, 2023). در نظام برنامه ریزی درسی ایران، بیشترین تأکید بر فراگیری انواع معلومات و انتقال واقعیت‌های علمی است که با روش‌های مکانیکی و حافظه ای به یادگیرندگان تحمیل می‌شود و حاصل آن همان دانش رویه ای در مقابل دانش مفهومی است. حل مسئله و خلاقیت از ممتازترین توانایی‌های شناختی انسان است. کشورهای دنیا پرورش قوه خلاقیت شاگردان را ارزشمندترین هدف تربیتی به شمار می آورند؛ زیرا پرورش خلاقیت ارتباط تنگاتنگی با پیشرفت‌های اقتصادی و تمدن و ترقی هر کشور دارد. تعلیم و تربیت باید یادگیرندگان را در مسیر استفاده از تفکر خلاق در حل مسئله خود آماده کند؛ زیرا دنیای آینده احتیاج به انسان‌های خلاق دارد. شرایط متغیر زندگی، هر لحظه فرد را در برابر مسئله قرار میدهد. یادگیرندگان خلاق با استفاده از معلومات موجود در حافظه به آرایش مفاهیم و اصول علمی پرداخته، به اصول و مفاهیم جدید دست می یابند و در نهایت تفکر و اندیشه را در حل مسائل مختلف و ساختن فرضیه‌ها به کار می‌گیرند (arjomandi, 2018).

هنر یکی از مواد درسی دوره‌ی ابتدایی است که در جدول درسی پایه‌های اول و دوم ابتدایی، هفته‌ای دو ساعت و در پایه‌های سوم، چهارم و پنجم یک هفته یک ساعت و یک هفته دو ساعت به آن اختصاص داده شده است. به این معنا که در هر هفته دو تا یک ساعت از فرصت‌های آموزشی دانش‌آموزان برای فعالیت‌های هنری برنامه‌ریزی شده است. از آن جا که یکی از اصول برنامه درسی هنر خلاقیت است و ارائه‌ی هر نوع نمونه و الگو، خلاقیت کودکان را محدود می‌کند در دوره‌ی ابتدایی کتاب درسی هنر برای دانش‌آموزان وجود ندارد.

کتب درسی (با 9 مفهوم)، پیوستگی سطوح آموزشی (با 4 مفهوم)، پیوستگی و تسلسل زمانی آموزش هنر (با 3 مفهوم)، پژوهش و نیازسنجی مداوم (با 3 مفهوم) می‌باشد. «برنامه‌ریزی چندگانه تخصص محور» مشتمل بر 2 مقوله‌ی فرعی برنامه‌ریزی تیمی (با 2 مفهوم) و تخصص میان‌رشته‌ای (با 3 مفهوم) است (جدول 1).

جدول 1. یافته‌های مستخرج از کدگذاری‌های 3 گانه در ارتباط با شرایط علی

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
برنامه‌ریزی عملکرد محور	تربیت و تقویت مدرسان	آموزش هنر توسط متخصص رشته درس هنر، تأمین و حمایت مالی و روحی مدرس، سرمایه‌گذاری برای استخدام، تربیت مدرس و سرمایه‌گذاری برای ارزیابی مدرس
	ساماندهی کتب درسی	ساماندهی محتوای کتب درسی، سرمایه‌گذاری در بخش تهیه و تدوین کتب درسی، سطح‌بندی کتب، تناسب کتب درسی با محیط، در نظر گرفتن رویکردهای جدید در تدوین کتب درسی، لزوم هماهنگی در تهیه سرفصل‌ها و طراحی کتب، هماهنگی تهیه کتب با اهداف دوره، تهیه و تدوین کتب راهنمای مدرس و بازبینی کتب درسی
	پیوستگی سطوح آموزشی	لزوم تدوین استانداردهای مشخص، لزوم تهیه سند ملی برنامه درسی، لزوم تعیین و تعریف سطوح آموزشی و لزوم برقراری ارتباط میان آموزش هنر و طنز
	پیوستگی و تسلسل زمانی آموزش هنر	تداوم برنامه درسی آموزش هنر آمیخته به طنز در طی سال‌های تحصیل، توجه به اصل تداوم و نه فشردگی و همچنین ساعات تخصیصی برای آموزش در طول
	پژوهش و نیازسنجی مداوم	افزایش تحقیق و پژوهش در حوزه آموزش هنر آمیخته به طنز، نیازسنجی مداوم و به‌روز فراگیران و بهره‌گیری از یافته‌های تحقیقات صورت گرفته‌شده
	برنامه‌ریزی چندگانه تخصص محور	برنامه‌ریزی تیمی
تخصص میان‌رشته‌ای		نیاز تصمیم‌گیرندگان و برنامه‌ریزان به آشنایی کامل نسبت به بافت مورد مطالعه، آشنایی برنامه‌ریزان درسی حوزه هنر با اصول برنامه‌ریزی درسی و آشنایی برنامه‌ریزان درسی حوزه هنر آمیخته به طنز با حوزه‌های مطالعاتی از قبیل فلسفه، روان‌شناسی و...

مقوله محوری مبتنی برنامه درسی هنر آمیخته به طنز مبتنی بر 5 مقوله فرعی اهداف (با 4 مفهوم)، روش‌های تدریس (با 4 مفهوم) و ارزشیابی فراگیران (با 4 مفهوم) می‌باشد (جدول 2).

محتوا (ب 3 مفهوم)، فعالیت‌های یادگیری (با 3 مفهوم)،

جدول 2. یافته‌های مستخرج از کدگذاری‌های 3 گانه در ارتباط با مقوله محوری

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
برنامه درسی هنر آمیخته به طنز	اهداف	بروز رسانی کردن اهداف، شفاف‌سازی اهداف برنامه درسی آموزش هنر، هدف‌گذاری بر اساس محدودیت‌ها و واقعیت‌های موجود جامعه، پذیرش قالب طنز به‌عنوان بخشی از هنر
	محتوا	تدوین سرفصل‌ها، تناسب محتوا با سطح دانش آموزان، اتخاذ رویکرد تلفیقی در تدوین برنامه
	فعالیت‌های یادگیری	انطباق با اهداف، شفاف‌سازی فرآیند آموزش هنر مدارس، فعالیت‌های غیر تجویزی و نیمه تجویزی
	روش‌های تدریس	تدریس مبتنی بر پروژه محور، ایفای نقش، پرسش و پاسخ، بدیعه پردازی
	ارزشیابی فراگیران	انجام انواع ارزشیابی از قبیل تکوینی و نهایی، ارزشیابی مهارت‌های مختلف، ارزشیابی بر مبنای استفاده کاربردی از هنر (ارزشیابی دانش کاربردی)، لزوم توجه به همسویی آموزش و ارزشیابی

تخصیص بودجه (با 5 مفهوم) بوده و «زمینه‌گرایی فرهنگی» نیز دارای 2 مقوله فرعی نگاه ایدئولوژیک (با 3 مفهوم) و رسانه‌ها و فضای مجازی (با 3 مفهوم) می‌باشد (جدول 3).

عوامل زمینه‌ای شامل 2 مقوله اصلی تحت عناوین «زمینه‌گرایی سیاسی و اقتصادی» و «زمینه‌گرایی فرهنگی» می‌باشد. مقوله‌ی «زمینه‌گرایی سیاسی و اقتصادی» مشتمل بر 2 مقوله‌ی فرعی سیاست‌گذاری بر مبنای اسناد بالادستی (با 5 مفهوم) و سیاست‌های

جدول 3. یافته‌های مستخرج از کدگذاری‌های 3 گانه در ارتباط با عوامل زمینه‌ای

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
زمینه‌گرایی سیاسی و اقتصادی	سیاست‌گذاری بر مبنای اسناد بالادستی	لزوم توجه به اسناد بالادستی موجود، تصمیم‌گیری بر مبنای سیاست‌ها و خط‌مشی‌های موجود، لزوم برقراری ارتباط و ایجاد هماهنگی میان وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش، لزوم وجود تعریف عملیاتی و قابل‌اندازه‌گیری در ارتباط با کلیدواژه‌های سیاست‌ها و اهداف آموزشی و تهیه اسناد تخصصی مربوط به آموزش هنر با نگاه ویژه به اسناد بالادستی
	سیاست‌های تخصیص بودجه	لزوم تخصیص بودجه کافی برای بازبینی و اصلاح برنامه درسی، لزوم تخصیص بودجه برای انجام پروژه‌های بنیادین، لزوم تأمین زیرساخت‌ها، تجهیزات و امکانات لازم برای دانشکده‌های هنر و لزوم سرمایه‌گذاری در مبحث هنر کشور
زمینه‌گرایی فرهنگی	نگاه ایدئولوژیک	لزوم تعدیل نگاه ایدئولوژیک سیاست‌گذاران، لزوم توجه به هنر به‌عنوان موضوعی اجتماعی فارغ از دعوای سیاسی و ایدئولوژیک و لزوم توجه به هنر به‌عنوان عنصر دارای هویت فرهنگی
	رسانه‌ها و فضای مجازی	پرتنگ نمودن نقش رسانه‌ها در تقویت هنر، ترویج فرهنگ استفاده صحیح و کاربردی از فضای مجازی به‌ویژه در بهبود یادگیری هنر و ارتقاء میزان آگاهی جامعه نسبت به اهمیت یادگیری هنر

مفهوم) می‌باشد و «ویژگی‌های فراگیر» نیز شامل 3 مقوله فرعی ویژگی‌های عاطفی (با 4 مفهوم)، ویژگی‌های شناختی (با 5 مفهوم) و ویژگی‌های اجتماعی (با 4 مفهوم) است (جدول 4).

شرایط مداخله‌گر نیز خود به دو مقوله‌ی اصلی «ویژگی‌های مدرس» و «ویژگی‌های فراگیر» تقسیم‌بندی می‌گردد. «ویژگی‌های مدرس» مبتنی بر 4 مقوله فرعی ویژگی‌های فردی (با 5 مفهوم)، ویژگی‌های میان فردی (با 6 مفهوم) و ویژگی‌های حرفه‌ای (با 9

جدول 4. یافته‌های مستخرج از کدگذاری‌های 3 گانه در ارتباط با شرایط مداخله‌گر

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
ویژگی‌های مدرس	ویژگی‌های فردی	ارتقاء سطح تحمل مدرس، اعتقادات و باورهای مدرس، قدرت طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی، چالش‌پذیری و درگیر بودن جنبه روانی مدرس
	ویژگی‌های میان فردی	تعامل اجتماعی با فراگیران، توجه به تنوع فراگیران، حمایت از یادگیری فراگیران، ترغیب به استقلال در میان فراگیران، توانایی ایجاد انگیزه و علاقه‌مندی در میان فراگیران
	ویژگی‌های حرفه‌ای	آگاهی از جزئیات حرفه، تجربیات مدرس، خلاقیت حرفه‌ای مدرس، به‌روز بودن، استقلال نسبی در تصمیم‌گیری، کاربست روش‌های تدریس کارآمد، توجه به استراتژی‌های یادگیری، توجه به شیوه‌های مختلف دریافت بازخورد، داشتن حس مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی

ویژگی‌های فراگیر	ویژگی‌های عاطفی	اعتماد به نفس، پشتکار، انگیزه و خطرپذیری
	ویژگی‌های شناختی	توجه به دانش پیشین فراگیران، تعیین و تعریف ویژگی‌های ورودی فراگیران، تعیین و تعریف ویژگی‌های خروجی فراگیران، ارتقاء سطح تحمل ابهام، توجه به خلاقیت فراگیران
	ویژگی‌های اجتماعی	مشارکت فراگیران در یادگیری هنر آمیخته به طنز، وجود همکاری میان فراگیران، مسئولیت‌پذیری فراگیر در قبال یادگیری خود و پرورش روحیه انتقادی و پرسشگری

مقوله‌ی «اقدامات آموزشی» دارای 3 مقوله فرعی کیفیت محوری (با 9 مفهوم)، تعامل‌گرایی (با 3 مفهوم)، توسعه حرفه‌ای مدرسان (با 2 مفهوم) و «اقدامات بازخوردی» مشتمل بر 2 مقوله فرعی ارزشیابی برنامه (با 3 مفهوم) و ارزشیابی اساتید (با 3 مفهوم) می‌باشد (جدول 5).

راهبردها دارای 3 مقوله‌ی اصلی «اقدامات زمینه‌ای»، «اقدامات آموزشی» و «اقدامات بازخوردی» بوده است. در این میان «اقدامات زمینه‌ای» خود دارای 5 مقوله فرعی آگاه‌سازی و ایجاد انگیزه (با 3 مفهوم)، اصلاح سیاست‌ها (با 3 مفهوم)، گسترش تعاملات بین‌المللی با 3 مفهوم، نهادگرایی در مدارس (با 2 مفهوم) و استانداردهای سطوح آموزشی (با 2 مفهوم) بوده؛

جدول 5. یافته‌های مستخرج از کدگذاری‌های 3 گانه در ارتباط با راهبردها

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
اقدامات زمینه‌ای	آگاه‌سازی و ایجاد انگیزه	ایجاد انگیزه در میان عوامل ذینفع، آگاه‌سازی نسبت به اهمیت یادگیری هنر آمیخته به طنز به‌عنوان یک مهارت پایه در میان عوامل ذینفع و آگاه‌سازی نسبت به اهمیت تقویت هنر در محیط‌های غیر دانشگاهی
	اصلاح سیاست‌ها	تدوین سند ملی برنامه درسی آموزش هنر، نیاز به اراده راسخ برای تغییر، داشتن نگاه واقع‌بینانه و اجتناب از بزرگنمایی کردن و ضرورت تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های حمایت‌کننده
	گسترش تعاملات بین‌المللی	توسعه روابط با انجمن‌های هنری خارج از کشور و استفاده از تجربیات آن‌ها، افزایش تبادل دانش آموز و افزایش تبادل استاد
	نهادگرایی در مدارس	همچون لزوم تشکیل دپارتمان هنر مستقل در مدارس و استفاده از ظرفیت آموزشگاه‌های هنر خصوصی
	استانداردهای سطوح آموزشی	سطح‌بندی هنرآموزان، تعیین استانداردها بر اساس الگوهای موفق دنیا
اقدامات آموزشی	کیفیت محوری	منطقی بودن تعداد دانش‌آموزان هر کلاس، دسته‌بندی افراد بر مبنای تعیین سطح هنری، سازگاری امکانات و نیازها، استانداردهای محیط فیزیکی کلاس درس، کاربرد وسایل کمک آموزشی موردنیاز در کلاس درس، مبنای بودن هنر تدریسی، لزوم توجه به نقش و تأثیر فناوری، لزوم توجه به آموزش مهارت طنز و لزوم توجه به اصل یادگیری آن
	تعامل‌گرایی	تشکیل دبیرخانه آموزش هنر در وزارت، لزوم ایجاد همسویی میان اهداف و نیازهای عوامل ذینفع و لزوم تعامل بیشتر میان اساتید و دانش‌آموزان
	توسعه حرفه‌ای مدرسان	برگزاری دوره‌های ضمن خدمت در جهت آموزش، شرکت در اجلاس‌ها و برگزاری کارگاه‌ها.

قدمات: بازگردی	ارزشیابی برنامه	بازبینی مداوم برنامه درسی آموزش هنر آمیخته به طنز، به‌روزرسانی برنامه درسی آموزش هنر آمیخته به طنز و لزوم ایجاد سیستم دریافت نظرات، پیشنهادهای و انتقادات
	ارزشیابی اساتید	لزوم وجود ارزشیابی انضباطی و عملکردی مدرسان، فراهم نمودن معیارهای درست ارزشیابی صلاحیت حرفه‌ای مدرسان و آگاه‌سازی و توجه ویژه به موضوع خود ارزشیابی

پیامدها دارای 2 مقوله‌ی اصلی «ارتقاء سطح آموزش هنر آمیخته به طنز» و «ایجاد برنامه درسی پایدار» می‌باشد. مقوله‌ی «ارتقاء سطح آموزش هنر آمیخته به طنز» شامل 2 مقوله‌ی فرعی رشد فردی (با 4 مفهوم) و رشد نهادی (با 5 مفهوم) و «ایجاد برنامه درسی پایدار» نیز مشتمل بر 2 مقوله فرعی ایجاد برنامه درسی پژوهش شده (با 4 مفهوم) و ایجاد برنامه درسی همه‌جانبه نگر (با 3 مفهوم) بوده است (جدول 6).

جدول 6. یافته‌های مستخرج از کدگذاری‌های 3 گانه در ارتباط با پیامدها

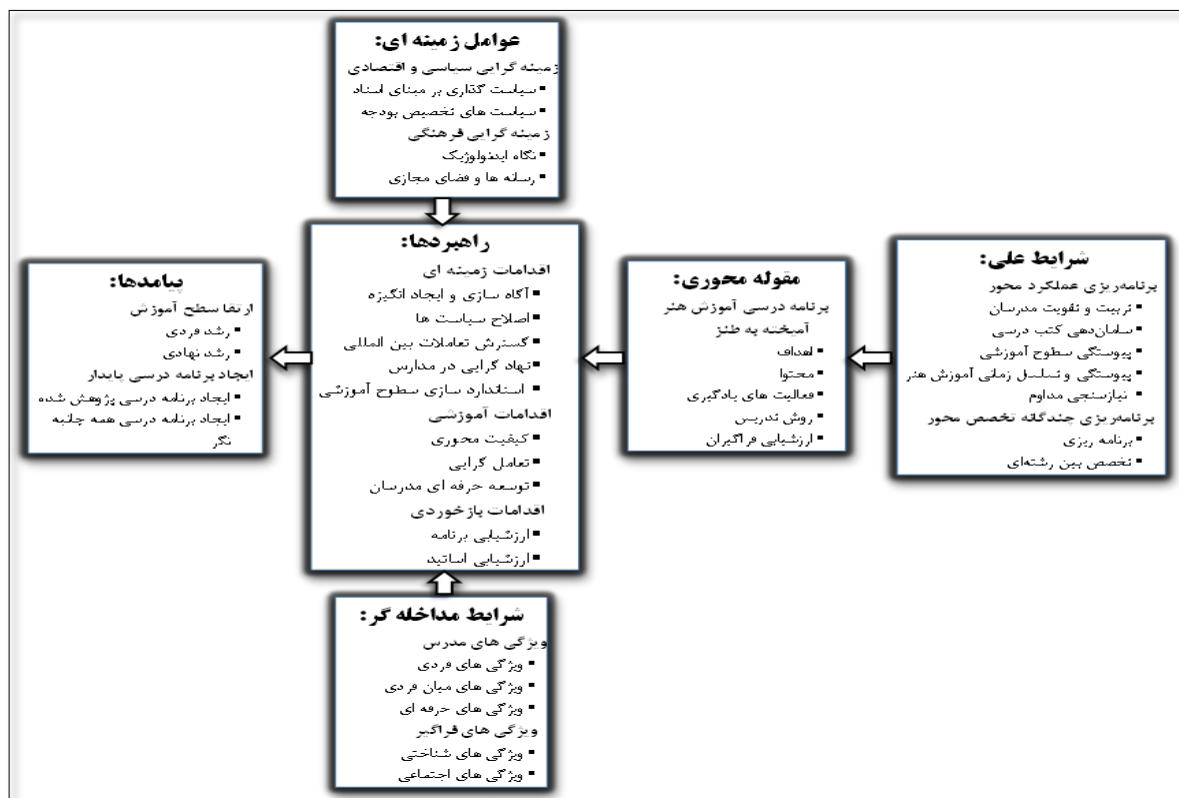
کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
ارتقاء سطح آموزش هنر آمیخته به طنز	رشد فردی	افزایش انگیزه معلم و دانش‌آموز، رشد و بالندگی معلمان، ارتقاء دانش هنری فراگیران و پرورش شهروند شاد
	رشد نهادی	ایجاد پویایی در محیط یادگیری، رشد علمی مدارس و مؤسسات آموزشی، ارتقاء کیفی تولیدات علمی پژوهشی در زمینه هنر آمیخته به طنز، کسب هویت بین‌المللی و پیوند بین پژوهش‌های داخل کشور با پژوهش‌های روز دنیا در زمینه هنر
ایجاد برنامه درسی پایدار	ایجاد برنامه درسی پژوهش شده	شکل‌گیری برنامه درسی برآمده از مطالعات علمی، شکل‌گیری برنامه درسی هدفمند، شکل‌گیری برنامه درسی امکان‌سنجی شده و شکل‌گیری برنامه درسی سرمایه‌گذاری شده
	ایجاد برنامه درسی	شکل‌گیری برنامه درسی با در نظر گرفتن نقش و جایگاه همه ذینفعان، فراهم شدن زمینه بروز علایق و نگرش‌های همه ذینفعان و شکل‌گیری برنامه درسی منعطف

در یک نگاه کلی، بر مبنای نتایج به دست و ابعاد الگوی داده بنیاد، 12 مقوله اصلی، 37 فرعی و 145 گردید (جدول 7).

جدول 7. نتایج کلی مقوله‌های اصلی، فرعی و مفاهیم بر اساس ابعاد طرح نظام‌مند داده بنیاد

ابعاد الگو	تعداد مقوله‌های اصلی	تعداد مقوله‌های فرعی	تعداد مفاهیم
شرایط علی	2	7	29
مقوله‌ی محوری	1	5	18
عوامل زمینه‌ای	2	4	16
شرایط مداخله‌گر	2	7	33
راهبردها	3	10	33
پیامدها	2	4	16
جمع	12	37	145

پس از استخراج کدها و مشخص نمودن مقوله‌های اصلی و فرعی از مصاحبه‌ها، بر اساس طرح نظام‌مند داده بنیاد الگوی مطلوب برنامه درسی هنر آمیخته به طنز ترسیم گردید (شکل 1).



شکل 1. الگوی مطلوب برنامه درسی هنر آمیخته به طنز بر اساس طرح نظام مند داده بنیاد

معیارهای پایایی و روایی ابعاد مدل پارادایمی الگوی مستخرج هنر آمیخته با طنز در جدول 7 به تفکیک درج شده اند.

در این پژوهش برای اعتباریابی الگوی طراحی شده در زمینه آموزش هنر آمیخته به طنز از مدلسازی معادلات ساختاری کمترین مربعات جزئی (SEM-PLS) در نرم افزار Smart PLS استفاده شده است.

جدول 7: بررسی معیارهای پایایی و روایی مفوله در الگوی آموزش هنر آمیخته با طنز

AVE	CR	مقدار	آلفای کرونباخ	
0/698	0/85	0/218	0/748	راهبردها
0/598	0/758	0/201	0/789	شرایط دخیل
0/602	0/852	0/198	0/857	شرایط زمینه ای
0/635	0/758	0/178	0/745	شرایط علی
0/645	0/795	0/211	0/689	پدیده محوری
0/698	0/748	0/185	0/754	پیامدها

کند. مقدار GDF محاسبه شده برای مدل پژوهش حاضر برابر 0/32 است که نشان دهنده برازش قوی مدل می باشد. در رویکرد مدلسازی معادلات ساختاری کمترین

الگوی PLS بر خلاف مدل های مبتنی بر کوواریانس فاقد شاخص های برازش متعدد می باشد، اما به اعتقاد آمانو و همکاران (۲۰۰۴)، شاخص GOF در PLS می تواند همانند شاخص های برازش کلی مدل عمل

از PLS-SEM اهمیت و عملکرد متغیرهای مکنون را مقایسه کرده و حوزه‌های مهم را مشخص می‌کند. در این تحقیق، از سازه هدفی به نام "پیامدهای الگوی آموزش هنر آمیخته به طنز" استفاده شد. نتایج ماتریس اهمیت - عملکرد (IPMA) برای این سازه را در جدول 8 بیان شده است.

مربعات جزئی، می‌توان با استفاده از مقادیر متغیرهای مکنون، خصیصه کلیدی را استخراج کرد. تحلیل ماتریس اهمیت - عملکرد (IPMA) در PLS-SEM از مقادیر متغیرهای مکنون بهره‌مند است و به تحلیل ابعاد دیگری از مدل مسیری اضافه می‌شود که میانگین مقادیر متغیرهای مکنون را در نظر می‌گیرد. این توسعه

جدول 8: ماتریس اهمیت - عملکرد سازه پیامدهای الگوی آموزش هنر آمیخته با طنز

متغیرهای مکنون	اهمیت	عملکرد
راهبردها	0/644	4/453
شرایط دخیل	0/034	4/51
شرایط زمینه‌ای	0/368	4/51
شرایط علی	0/149	4/63
پدیده محوری	0/164	4/517

آموزش هنر آمیخته به طنز بعنوان مقوله‌ی محوری بصورت مستقیم متأثر از دو عامل اصلی الف). برنامه ریزی عملکرد محور (تربیت و تقویت مدرسان، سازماندهی کتاب درسی، پیوستگی سطوح، آموزشی پیوستگی و تسلسل زمانی آموزش هنر و نیازسنجی مداوم) و ب). برنامه ریزی چندگانه تخصص محور (برنامه ریزی تیمی و متخصص میان‌رشته‌ای) می‌باشند. ونگ (2018) بر مبنای جمع‌بندی مطالعات مختلف در حوزه برنامه درسی، نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین رمز موفقیت یک الگوی برنامه درسی بر مبنای عملکردی بودن آن است. همچنین در برنامه درسی هنر، علاوه بر متخصصان برنامه ریز درسی، صاحب نظران حوزه‌های مختلف هنر نیز می‌بایست حضور یابند که از این منظر با نتایج پژوهش (forutan et al 2020) همسو می‌باشد. بسترهای حاکم بر الگوی برنامه درسی پیشنهادی، زمینه‌گرایی سیاسی و اقتصادی (سیاستگذاری بر مبنای اسناد بالادستی و سیاست‌های تخصیص بودجه) و زمینه‌گرایی فرهنگی (نگاه ایدئولوژیک، رسانه‌ها و فضای مجازی) می‌باشند. Apple (2017) معتقد است که سیاست‌ها و ارزش‌های حاکم بر جامعه عواملی موثر بر

با توجه به جدول 8، می‌توان مشاهده کرد که راهبردها نسبت به پیامدهای الگوی آموزش هنر آمیخته به طنز دارای اهمیت بالاتری هستند و شرایط دخیل کمترین اهمیت را دارند. به عبارت دیگر، راهبردها جایگاهی بسیار مهم در این الگو دارند و در عوض، شرایط دخیل نقش کمتری ایفا می‌کنند. همچنین شرایط زمینه‌ای در این الگو دارای حداکثر عملکرد ممکن هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

برنامه درسی آموزش هنر در ایران دارای مشکلات متعددی است. مشکل اساسی در این حوزه، نداشتن الگوی مشخص و جامع که به عنوان راهنمای دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان مورد استفاده قرار گیرد. یکی از ابعاد مغفول در آموزش هنر، بحث آمیختگی آن با طنز و بهره‌گیری از این رویکرد است که در این مطالعه سعی شد تا برنامه درسی آموزش هنر در نظام آموزش کشور با استفاده از طرح نظام‌مند داده بنیاد با تاکید بر آمیختگی آن با طنز طراحی گردد. تحلیل یافته‌ها بیانگر آن است که برنامه درسی

و عوامل زیادی را در این راستا احصا نموده است (ranaee et al, 2021). در برنامه درسی پیشنهادی هنر نیز اقدامات زمینه ای، آموزشی و بازخوردی می‌توانند نقش بنیادی بر عهده داشته باشند. نتایج و پیامدها در الگوی مذکور، ارتقای سطح آموزش هنر آمیخته به طنز (فردی و نهادی) و ایجاد برنامه درسی پایدار (ایجاد برنامه درسی پژوهش شده و ایجاد برنامه درسی همه جانبه نگر) می‌باشد. برنامه درسی آموزش هنر آمیخته به طنز به عنوان مقوله‌ی محوری این الگو معرفی شد. این بدان معنی است که اکثر مصاحبه‌شوندگان بر این موضوع صحنه گذاشته‌اند که در بحث آموزش هنر آمیخته به طنز و در درجه اول نیازمند برنامه ریزی‌هایی هستیم که متمرکز بر برنامه درسی آموزش هنر باشد و تدابیر ویژه‌ای برای آن اتخاذ گردد. به عبارت دیگر تمرکز بر برنامه درسی هنر آمیخته به طنز به عنوان مقوله‌ی محوری یعنی توجه ویژه به عناصر تشکیل دهنده آن شامل اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، روش‌های تدریس و ارزشیابی فراگیران است.

بر مبنای بررسی‌های بعمل آمده در منابع قابل دسترس، می‌توان گفت که نتایج پژوهش حاضر از حیث شناسایی مقوله زمینه‌های فرهنگی با نتایج پژوهش Afshar kohan (2022)، اقدامات آموزشی معلم با نتایج aminet a, 2021، زمینه‌های سیاسی با نتایج پژوهش rezaae (2019)، نقش فراگیران با نتایج پژوهش Arias (2023) و ایدئولوژی با نتایج پژوهش Attardo Di Ferrante (2022)، تا حدودی همپوشانی و همسویی دارد و از منظر سایر مولفه‌های اصلی و فرعی جنبه‌ی نوآورانه داشته است.

برنامه درسی آموزش هنر در ایران با توجه به نظرات علمی و واژگان علمی، با مشکلات زیادی روبرو است که برخی از آنها را می‌توان به دلیل عدم وجود الگوی مشخص و جامع در این حوزه نام برد. الگوی مشخصی که به عنوان یک راهنمای کاربردی برای دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان آموزش هنر مورد استفاده قرار گیرد. این

نامه درسی هستند و از این رو نقش این عامل در برنامه درسی انکار ناپذیر است که در الگوی برنامه درسی پیشنهادی، علاوه بر این عامل، بستر اقتصادی هم مد نظر قرار گرفته چرا که بر اساس گفته‌های صاحب نظران حوزه، تخصیص بودجه کافی برای بازبینی برنامه درسی امری غیر قابل اجتناب است. به باور برخی از مصاحبه‌شوندگان، ایجاد نگاه ایدئولوژیک تعدیل شده در میان سیاست‌گذاران و اهمیت توجه به یادگیری هنر آمیخته به طنز، جدا از اختلاف نظرهای سیاسی و ایدئولوژی امری مهم قلمداد می‌شود.

دو عامل مهم ویژگی‌های مدرس (فردی، میان فردی و حرفه‌ای) و ویژگی‌های فراگیر (شناختی و اجتماعی) شرایطی هستند که در صورت وجود هر کدام برنامه درسی پیشنهادی تقویت می‌گردد و بالعکس. بر مبنای نتایج مطالعه Schleicher (2019) ویژگی‌های معلم یکی از مهمترین عامل در برنامه درسی قلمداد می‌شود، چگونگی فعالیت معلم در ارتباط فراگیران نقشی بنیادی در هر برنامه درسی ایفا می‌نماید (Nagler, 2016). هر برنامه درسی زمانی که ویژگی‌های فراگیران را در ابعاد مختلف مد نظر قرار دهد، می‌تواند موفق عمل نماید (yaghoubi, 2021).

سه نوع اقدام زمینه‌ای (آگاه‌سازی و ایجاد انگیزه، اصلاح سیاست‌ها، گسترش تعاملات بین‌المللی، نهادگرایی در مدارس و استاندارد سازی سطوح آموزشی)؛ آموزشی (کیفیت محوری، تعامل‌گرایی و توسعه حرفه‌ای معلمان) و بازخوردی (ارزشیابی برنامه و ارزشیابی معلمان) بعنوان راهبردهای اساسی برای اجرای بهتر برنامه درسی و در برآیند مداخله‌گرها و عوامل زمینه‌ای می‌تواند مثرتر واقع شود. هر برنامه درسی در حوزه‌ی تخصصی خود نیاز به اقدامات مدبرانه و ماهرانه در عرصه‌ی اجرا دارد (zare et al, 2015). اجرای برنامه درسی، مفهومی وابسته به زمینه است و در موقعیت‌های مختلف می‌تواند مولفه‌های متعدد و تعابیر متنوعی را به خود بگیرد که پژوهش‌های مختلف صورت گرفته در نظام‌های آموزشی در سطح بین‌المللی شرایط

- University, Faculty of Psychology and Educational Sciences [In Persian].
- Amini, M., Setareh, S., & Rastgoo, A. (2021). The density and accreditation of the effects of cognitive-behavioral learning styles on the academic achievement of high school students. *Educational Leadership and Management Quarterly*, 4, 217-238 [In Persian].
- Anselm Strauss, Juliet M., & Corbin, J. (2016). *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques* (B. Mohammadi, Trans.). Institute for Humanities and Cultural Studies, Educational Research and Planning Organization [In Persian].
- Apple, M. W. (2017). *The State and Politics of Knowledge*. New York: Routledge.
- Arabzadeh, M., Kadivar, P., Negahban Salami, M., & Noroozi, N. (2011). *Study Effect Training of Creative Self-acting in Increase Creativity of University*. In Collection of Papers: The 3rd National Conference on Education.
- Arjmandi, B. (2018). The effectiveness of creativity enhancement programs in the art curriculum on elementary school students' creativity. *Roshd Psychol*, 7(4), 65-88 [In Persian].
- Baisley, M. C., & Grunberg, N. E. (2019). Bringing humor theory into practice: An interdisciplinary approach to online humor training. *New Ideas in Psychology*, 55, 24-34 .
- Beers Fägersten, K. (2017). English-language swearing as humor in Swedish comic strips. *Journal of Pragmatics*, 121, 175-187 .
- Bergen, D., & Modir Roustaa, M. (2019). Developing Creativity and Humor: The Role of the Playful Mind. *In Creativity and Humor* (pp. 61-81) .
- Bognar, B., & Ibraković, V. (2009). Creativity in teaching plant production. *Educational Journal of Living Theories*, 2(2), 232-256. www.ejolts.net ISSN 2009-1788.
- Chauvet, S., & Hofmeyer, A. (2017). Humor as a امر موجب ناتوانی در تدوین برنامه‌های آموزشی کارآمد و جامع می‌شود. یکی از ابعادی که معمولاً در آموزش هنر دغدغه‌های کمتری به آن پرداخته می‌شود، بحث آمیختگی هنر با طنز و استفاده از این رویکرد است. طنز و هنر می‌توانند به عنوان یک ترکیب هنری ارزشمند شناخته شوند و بتوانند اثرات مثبتی در فرآیند آموزشی داشته باشند. اما به دلیل عدم وجود رویکردهای رسمی در این زمینه، ممکن است برخی از این پتانسیل‌ها به‌طور کامل بهره‌مند نشوند. از دیدگاه علمی، آموزش هنر با طنز می‌تواند به عنوان یک ابزار آموزشی مؤثر به کار گرفته شود. طنز نه تنها می‌تواند محیط آموزش را جذاب‌تر کند بلکه همچنین می‌تواند فرآیند یادگیری را تسهیل کرده و افراد را به شیوه‌های نوآورانه‌تری در انتقال مفاهیم هنری آشنا کند. به‌طور کلی، برنامه درسی آموزش هنر باید توانمندی‌های هنری را با الحاق عناصری نظیر طنز به‌طور هوشمندانه ترکیب کند تا فرآیند یادگیری جذاب و به‌روز باشد. نتایج چنین ترکیبی می‌تواند در افزایش جذابیت آموزش هنر، توسعه‌ی قابلیت‌های خلاق‌ی دانشجویان، و ایجاد یک ارتباط نزدیک‌تر بین هنر و جامعه کمک کند. با توجه به این نتایج، ضروری است که در تدوین برنامه‌های آموزش هنر، به این ابعاد علمی و هنری توجه کافی شود تا به‌طور کامل از پتانسیل‌های هنری و آموزشی در این زمینه بهره‌مند شویم. با عنایت به نتایج پژوهش حاضر تدوین و تصویب برنامه راهبردی در خصوص آموزش هنر آمیخته به طنز در نظام آموزش رسمی در سطح مدارس و همچنین برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت معلمان برای آشنا کردن آنها با چارچوب اجرایی و اسناد بومی سازی شده ملی در حوزه آموزش هنر آمیخته به طنز پیشنهاد می‌گردد.

منابع

Afshar Khahen, Z. (2016). *The effect of humor-mixed mathematics curriculum on students' mathematical creativity*. Unpublished doctoral dissertation, Allameh Tabatabai

- Persian].
- Leat, D., & Whelan, A. (2023). Innovative pedagogies in relation to curriculum. *In International Encyclopedia of Education* (Fourth Edition), pp. 132-141 .
- Lorkian, M., Mehrmohammadi, M., Maleki, H., & Mofidi, F. (2011). Designing and accrediting the ideal model of elementary school art curriculum in Iran. *Curriculum Studies*, 6(21), 52-69[In Persian].
- Mahdavinejad, Gh. H., Mahdavinejad, M. J., & Silvaeiye, S. (2013). The effect of artistic environment on students' creativity. *Educational Innovations*, 12, Winter 2013.
- Mehrmohammadi, M. (2013). *Review of the narrative of globalization and indigenouness from within*. Tehran: Doran Publications[In Persian].
- Nagler, K. S. (2016). Effective Classroom Management & Positive Teaching. *English Language Teaching*, 9(1), 163-172.
- Raenaee, M., Mehrmohammadi, M., Dallavari, A., & Khosroabadi, A. A. (2021). Exploring the components of national curriculum implementation. *Tahlil va Tarbiat Journal*, 37, 31-54[In Persian].
- Rezaii, M. (2019). Developing a theoretical model of aesthetics and artistic education in the formal and public education of the Islamic Republic of Iran. Research project, Educational Research and Planning Organization, *Ministry of Education* [In Persian].
- Sabnis, S. V., Tanaka, M. L., Beard, K., & Proctor, S. L. (2023). Women of color and the hidden curriculum of school psychology doctoral programs. *Journal of School Psychology*, 98, 1-15 .
- Schleicher, A. (2019). *Teaching Excellence through Professional Learning and Policy Reform: Lessons from Around the World*. Paris: OECD Publishing.
- Schmidt, M., & William-Lang. (2011). *The Relationship of Arts Education to Student* facilitative style in problem-based learning environments for nursing students. *Nurse Education Today*, 27(4), 286-292 .
- Clark, J. H. (2019). "The state kills, we kill, everyone kills": Cracking and framing the field with humor. *Political Geography*, 68, 131-138 .
- Derikvand, M. (2021). The consequences of humor in education: A review of its positive and negative consequences and challenges in the classroom. *Educational Research*, 7(27), 50-64[In Persian].
- Eisner, E. W. (2002). *The Arts and the Creation of Mind*. Yale University Press.
- Foroutan, M., Sadeghi, A., & Mehrmohammadi, M. (2021). Designing and validating the model of multicultural high school art curriculum with an emphasis on Iranian ecosystems. *Journal of Adolescent and Youth Studies*, 1, 287-303[In Persian].
- Haydon, G., Reis, J., & Bowen, L. (2023). The use of humour in nursing education: An integrative review of research literature. *Nurse Education Today*, 126, 105827 .
- Khakzad, F. (2015). *Investigating the effects of training with innovative and participatory methods on students' creativity and social adjustment*. Unpublished master's thesis, University of Tehran, Faculty of Psychology and Educational Sciences[In Persian].
- Kim, B., & Ho, W. (2018). Emergent social practices of Singapore students: The role of laughter and humour in educational gameplay. *International Journal of Child-Computer Interaction*, 16, 85-99 .
- Kohan, A. (2016). *The effect of humor-mixed mathematics curriculum on students' mathematical creativity*. Unpublished master's thesis, Ministry of Science, Research, and Technology - Allameh Tabatabai University - Faculty of Educational Sciences.
- Kyomarsi, Gh. (2019). *Familiarity with the role of art in promoting school education activities*. Tehran: Madreseh Publications[In

- Verschaffel, L. (2019). Improving realistic word problem solving by using humor. *The Journal of Mathematical Behavior*, 53, 96-104 .
- Van Praag, L., Stevens, P. A., & Van Houtte, M. (2017). How humor makes or breaks student-teacher relationships: A classroom ethnography in Belgium. *Teaching and Teacher Education*, 66, 393-401 .
- Yaghoubi, M. H. (2021). The role of the teacher as a change manager in curriculum implementation. *Findings of Educational Management*, 1, 55-68[In Persian].
- Zare, P., Jahani, J., & Shirin Hesar, R. (2015). "The Implementation of Knowledge Management Process During Curriculum Implementation." *In International Conference on Behavioral and Social Sciences*, Turkey, Istanbul.
- Motivation, Self-Efficacy, and Creativity in Middle Schools. Unpublished Doctoral Dissertation*, University of North Carolina.
- Song, K., Williams, K. M., Schallert, D. L., & Pruitt, A. A. (2021). Humor in multimodal language use: Students' Response to a dialogic, social-networking online assignment. *Linguistics and Education*, 63, 100903 .
- Strauss, A., & Corbin, J. (2014). *Principles of Qualitative Research Methodology: Basic Theory, Procedures and Methods* (Buick Mohammadi, Trans.). Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies (Third Edition, p. 268).
- Tong, P., & Tsung, L. (2020). Humour strategies in teaching Chinese as second language classrooms. *System*, 91, 102245 .
- Van Dooren, W., Lem, S., De Wortelaer, H., &